



ضرورت توجه به تفکر انتقادی در طرح نصاب تعلیمی

پوهنیار گلبدین امیری^۹

تقریظ‌دهنده: پوهندوی شکبیا هلال

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۱ (۴) ۱۴۰۰

چکیده

این مقاله به هدف بررسی ضرورت توجه به تفکر انتقادی در طرح نصاب تعلیمی، با استفاده از روش کتاب‌خانه‌یی انجام شده است. بررسی ضرورت پرداختن به تفکر انتقادی در طرح نصاب تعلیمی هدف کلی و این که در طرح نصاب تعلیمی ضرورت پرداختن به تفکر انتقادی چیست سؤال اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که برای داشتن شاگردان با قوه‌ی تفکر انتقادی، در قدم اول باید آن‌را آموخت و سپس پرورش داد و پرورش آن نیز بدون داشتن یک برنامه‌ی مدون میسر نخواهد بود. لذا جهت آموزش تفکر انتقادی باید آن‌را در هنگام طرح نصاب تعلیمی مورد مذاقه قرار دارد. برای انکشاف مهارت تفکر انتقادی شاگردان جهت اندیشه‌ورزی و خردگرایی، متخصصان حوزه‌ی علوم تربیتی باید در طرح نصاب تعلیمی به عناصر و مؤلفه‌های آن دقت نمایند.

اصطلاحات کلیدی: تفکر انتقادی؛ نصاب تعلیمی؛ موانع تفکر انتقادی؛ توجه به تفکر انتقادی؛ خردگرایی

The Need to Pay Attention to Critical Thinking in the Curriculum

Jr. Teaching Asstt. Gulbodin Amiri

Abstract

This article aims to investigate the need to pay attention to critical thinking in the curriculum design, using the library method. Examining the necessity of addressing critical thinking in the curriculum plan the general goal and what is the need to address critical thinking in the curriculum plan is the main question of this article. The findings of this study show that in order to have students with critical thinking power, one must first learn it and then nurture it, and nurturing it will not be possible without having a written plan. Therefore, in order to teach critical thinking, it should be considered when designing a curriculum. In order to develop students' critical thinking skills for thinking and rationalism, specialists in the field of educational sciences should pay attention to its elements and components in the curriculum design.

Keywords: Critical thinking; Curriculum; Barriers to critical thinking; Attention to critical thinking; Rationalism

ارجاع

امیری، گلبدین. (۱۴۰۰). ضرورت توجه به تفکر انتقادی در طرح نصاب تعلیمی. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۱ (۴)، صص ۱۲۳ - ۱۴۰.

^۹ استاد تربیه‌ی معلم دروازاها - بدخشان

مقدمه

تفکر از جمله موضوعاتی است که از دیر باز همواره ذهن اندیش‌مندان را به خود مشغول داشته است؛ چراکه آنان واقف بودند که انسان فرهنگ و تمدن خویش را مدیون تفکر می‌داند. این عقیده که، نیروی تفکر انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند؛ همواره مطرح بوده است و پیشرفت انسان در زمینه‌های علمی، ادبی، هنری و معنوی و ... همه در نتیجه تفکر اندیش‌مندان حاصل می‌شود (سرگزی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲).

با توجه به این که در نظام آموزشی ما حفظ و انتقال اطلاعات شکل غالب آموزش را تشکیل می‌دهد، و بر همین اساس محتوا و شیوه‌های تدریس و ارزیابی شکل می‌گیرد؛ مشکلات اساسی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت تفکر انتقادی دیده می‌شود. توجه نظام تعلیم و تربیت به نصاب تعلیمی به عنوان یکی از حلقه‌های اساسی نظام تربیتی و آموزشی به مهارت‌های تفکر به نقطه قوی است که می‌تواند تعلیم و تربیت بالنده را به همراه داشته باشد و ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌گردد (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱).

گیلفورد و همکاران (۲۰۰۴) براین باورند که ضرورت پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق برنامه‌های درسی به یکی از عمده‌ترین مقاصد مریان تربیتی در کشورها تبدیل شده است. برای عملی شدن این مسأله‌ی مهم معلم باید در افزایش مهارت‌های تفکر و استدلال شاگردان خود بکوشد و آن‌ها را از مرحله حفظ کردن مطالب به مرحله تفکر سوق دهد و آن‌ها را در یافتن راه‌حل مناسب که اساس یادگیری توأم با تفکر است، آموزش دهد. به طوری که فراگیران بتوانند مهارت‌های کسب شده را در دروس گوناگون و موقعیت‌های مختلف زندگی استفاده کنند. از این رو تفکر انتقادی در سال‌های اخیر به عنوان مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت و از جمله اصلی‌ترین استانداردهای آموزشی در دنیا محسوب می‌شود.

در سال‌های اخیر متخصصان علوم تربیتی در مورد نارسایی توانایی شاگردان در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده‌اند و رشد و پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی شاگردان همیشه مسأله‌ی پیچیده در آموزش بوده، ولی امروزه حالتی بحرانی به خود گرفته، چون برون‌داد اطلاعاتی فرهنگ ما از قدرت تفکر انتقادی ما در باره آن اطلاعات فراتر رفته است (سرگزی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲).

در نظام‌های آموزشی سراسر دنیا، انگاره‌ی آموزشی تفکر در سطوح عالی‌تر از یک سو و استفاده از عناصر نصاب تعلیمی به عنوان ابزار برای تفکر از سوی دیگر سبب شده تا تفکر انتقادی به عنوان یک مفهوم بنیادین و یک آرمان آموزشی مطرح شود. امروزه نقش تفکر انتقادی در زندگی روزمره از

سویی و در آموزش از سویی دیگر مورد توجه قرار گرفته است. در عصر انفجار اطلاعات و با وجود ماهواره‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، افراد روزانه در معرض باورها و نظریه‌های مختلفی قرار می‌گیرند. در چنین وضعیتی می‌طلبند که افراد جامعه برای تشخیص درست و نادرست به تفکر نقادانه مجهز شوند (باقری و دیگران، ۱۳۹۶). البته مسأله‌ی که به‌طور دایم در نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد، کیفیت تفکر محصلان یعنی تفکر مطلوب است که اگرچه به طریق گوناگون توصیف شده است، اما اصطلاحی که عموماً برای نوع تفکری که در نظام‌های آموزشی مد نظر قرار دارد، تفکر انتقادی است (پاک مهر و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۱). مسلماً تفکر انتقادی با رویکردهای مدون نیز پرورش می‌یابد که باید در ساختار نصاب تعلیمی گنجانیده شود.

از آن‌جا که وظیفه‌ی هر نظام آموزشی پرورش همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان برای ایفای نقش در جامعه است، پرورش تفکر انتقادی به این امر کمک می‌کند. چرا که براساس این مهارت دانش‌آموزان خواهند توانست اطلاعاتی که در اختیار دارند را بر اساس تعامل محیط و تجارب شخصی، دستکاری و در آن‌ها تجدید نظر کنند و نقش و وظیفه خود را در جامعه به صورت پویا و مؤثر ایفا کنند (کریمی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۷).

تفکر انتقادی سبب می‌شود که فرد از مدارک و شواهد موجود بالاترین درک را داشته باشد و درک کردن، فرد را قادر می‌سازد تا نظرات و معانی را که در ورای هر چیزی مهم وجود دارد، آشکار سازد. حتی در موقعیت‌های روزمره، تفکر انتقادی، تفاوت واقعی میان موفقیت و شکست در هر کار را به ما می‌نمایاند و به موفقیت یاری می‌رساند (حسینی راد و علم‌داری، ۱۳۹۰، ص ۳۲). بنابراین، یافته‌ی این مقاله نیز می‌تواند برای دست‌اندرکاران نظام آموزشی و مربیان تربیتی، جهت برانگیختن تفکر شاگردان و محصلان برای برخورد با مسایل در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و شغلی مفید واقع شود. این مقاله با استفاده از روش کتاب‌خانه‌یی صورت گرفته است و از لحاظ این که ماهیت این تحقیق کتاب‌خانه‌یی بوده تا حدی زیاد سعی شده تا از مقالات و کتاب‌های معتبر با حفظ امانت مورد استفاده قرار گیرد.

مفهوم و تعریف تفکر انتقادی

تفکر انتقادی تقریباً به معنای تفکر اندیش‌مندانه و منطقی است که روی تصمیم‌گیری برای انجام دادن چیزی متمرکز است، اما بیشتر اوقات کلمه‌ی انتقادی، معنای ضمنی نقد کردن را به ذهن شنونده متبادر می‌کند که بعد منفی دارد و تأثیر ناخوشایند و نا مساعد بر یک ایده، تیوری یا عمل می‌گذارد. اگر کلمه‌ی انتقادی در تفکر انتقادی به این معنا استنباط شود، مسلماً به تفکر انتقادی به منزله‌ی نوعی

ارزیابی غیر سازنده نگریسته می‌شود؛ درحالی‌که تفکر انتقادی فرایند تحلیلی است که می‌تواند به انسان کمک کند تا در جریان یک مسأله، شیوه مؤثر و سازماندهی شده پیش بگیرد و در باره‌ی آن مشکل فکر کند (ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶، ص ۹۹).

به عبارت دیگر، تفکر هنگامی انتقادی است که متفکر، بحث مورد نظر را به دقت تحلیل کند و دلایل و شواهدی معتبر را استخراج نموده و به نتایج معتبر برسد. توانایی فهم و تفسیر مسایل، تشخیص و تحلیل مسأله، تشخیص و کاربرد منطقی، نتیجه‌گیری معقول از اطلاعات حاصل از منابع مختلف، تمایز بین حقایق از عقاید، داوری در باره اعتبار منابع، تصمیم‌گیری در باره اعمال مختلف، تشخیص فرض‌های بیان نشده، تشخیص بیانات کلیشه‌یی و قالبی، تشخیص نظام‌های ارزشی و عقیدتی مختلف و طرح سؤال و پاسخ‌گویی به آن از موارد تفکر انتقادی است. این نوع تفکر، یک نوع فعالیت شناختی و تلاش سازمان‌یافته‌ی مغزی جهت درک و ارزیابی یافته‌ها و پدیده‌ها و روابط موجود بین آن‌ها است که بر پایه‌ی مهارت‌هایی از قبیل استدلال و تجزیه و تحلیل استوار بوده که فرد بر این اساس در نهایت به باور و عملکرد خاص خودش می‌رسد (مقصودی و دیگران، ۱۳۸۹).

از تفکر انتقادی تعاریف متفاوت شده است که نشان‌دهنده‌ی تفاوت دیدگاه‌ها در تعریف این مقوله است. اما تقریباً تمام صاحب‌نظران این حوزه معتقد اند که تفکر انتقادی یک موضوع خاص است و این نوع تفکر قابل آموزش است. جانسون (۲۰۰۲) یکی از کارشناسان طراز اول تفکر انتقادی، آن‌را این‌گونه تعریف می‌کند: هنر اندیشیدن در باره‌ی تفکر تان، وقتی که شما می‌اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید؛ یعنی آن را روشن‌تر، درست‌تر و قابل توجه‌تر بیان کنید. هم‌چنین انیس (۲۰۱۰) معتقد است که تفکر انتقادی تقریباً معنایی تفکر اندیش‌مندانه‌ی منطقی است که بر تصمیم‌گیری برای انجام دادن چیزی یا باور آن متمرکز است (سرگزی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳).

دیویی (۱۹۳۳) از یک دیدگاه فلسفی تفکر انتقادی را شامل کاوش‌گری، تمیز و آزمون افکار و بررسی گزینه‌های مختلف در مورد یک مسأله می‌داند. پاول (۱۹۹۲) تفکر انتقادی را در دو معنای محدود و وسیع مطرح کرد. در معنای محدود، تفکر انتقادی یک مجموعه مهارت‌های فنی است که فقط برای انتقاد از دیدگاه‌های مخالف مفید واقع می‌شود، اما در معنای وسیع، بررسی گرایش‌ها و تمایلات خودمحورانه و جامعه‌گرایانه است که در قالب عقاید و به صورت پنهان قرار دارد و شامل گرایش‌ها و ویژگی‌های منشی و شخصیتی است.

انجمن فلسفه امریکا نیز یک تعریف جامع و مورد توافق همگانی برای تفکر انتقادی ارائه کرده شامل دو مؤلفه‌ی عاطفی و شناختی است: «ما معتقدیم که تفکر انتقادی قضاوت هدف‌مند و خود

نظم‌دهنده‌ی است که بر تعبیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط و هم‌چنین تبیین ملاحظات موقعیتی، روش شناختی، ملاکی و مفهومی مبتنی است» (بدری گرگری و قناعت پیشه، ۱۳۹۳، ص ۸).

کاترل (۲۰۱۱) تفکر انتقادی را فرایند پیچیده‌ی از تفکر تعریف می‌کند که شامل مهارت‌ها و نگرش‌های هم‌چون درک دیدگاه و موقعیت دیگران و ارزیابی دقیق آن می‌باشد. به نظر رین بالت (۲۰۱۲) تفکر انتقادی عبارت است از ارزیابی صحیح گفته‌های دیگران و تحلیل دقیق آن‌ها (ملکی آورسین و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲). تفکر انتقادی تفکری است مستدل و منطقی که به ارزیابی ایده‌ها، باورها و اعمال خود و دیگران می‌پردازد (منصوری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۸). و بالآخره تفکر انتقادی تفکری است مستدل، منظم، هدف‌مند، اثرگذار، منطقی و مبتنی بر پیامد که به روش علمی به بررسی و تجزیه و تحلیل تمامی اطلاعات و نظرات در دسترس می‌پردازد (ملکی آورسین و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲).

معنا و مفهوم تفکر انتقادی

تفکر انتقادی؛ نقد کردن صرف نیست و منظور از کلمه‌ی انتقادی در این جا نگاه گله‌مندانه و شکایت‌آمیز هم نیست؛ بلکه نگاهی تیزبینانه است (ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶، ص ۹۹). تفکر انتقادی، تفکر بدبینانه نیست که با یک پیش‌داوری به دنبال یافتن خطاها باشد، بلکه فرایند طبیعی و غیر متعصبانه برای ارزیابی ادعاها و عقاید دیگران یا خود است. تفکر انتقادی تهدیدی بر شخصیت افراد نیست. ممکن است هدف‌گرایی افراد را افزایش دهد اما هویت آنان را تغییر نخواهد داد. تفکر انتقادی یک عقیده نیست. تفکر انتقادی می‌تواند اعتبار عقاید را ارزیابی کند، اما خودش یک عقیده نیست؛ بلکه یک فرایند است. تفکر انتقادی احساسات و یا تفکر عاطفی را سرکوب یا جابجا نمی‌کند. عواطف به زندگی معنا و مطلوبیت داده و باعث می‌شوند قصدها را بهتر احساس کرد. تفکر انتقادی نمی‌تواند این نقش را ایفا کند؛ بلکه تصمیم‌های عاطفی (مانند تصمیم به ازدواج یا داشتن فرزند) باید در بخش از تفکر انتقادی قرار گیرد.

تفکر انتقادی هر آن‌چه را که بر اساس علم باشد به صورت کور نمی‌پذیرد؛ به عنوان مثال؛ فرهنگ ما شامل ادعاهای علمی نادرست است که برای فروش بسیاری از محصولات از مواد خوراکی تا مواد دارویی به کار گرفته می‌شود. البته این مهم است که متوجه باشیم استدلال‌های که مبتنی بر تفکر انتقادی هستند الزاماً متقاعدکننده‌ترین‌ها نیستند. شاید متقاعدکننده‌ترین استدلال‌ها آن‌هایی باشند که بر اساس نیازهای عاطفی یا انسانی طراحی شده اند تا آن‌هایی که در راستای اهداف نیستند.

به همین دلیل است که استدلال‌های سیاست‌مداران، اصحاب رسانه‌ها و بازاریاب‌ها معمولاً به عنوان متقاعدکننده‌ترین استدلال‌ها از طرف مردم پذیرفته می‌شود در صورتی که آن‌ها تعمداً فاقد تفکر انتقادی هستند (احمدی و رضوانی، ۱۳۹۴، ص ۸۲).

مؤلفه‌های تفکر انتقادی

۱. کنجاوی اندیش‌مندان: بدین معنا است که فرد در مواجهه به با عقاید و نظرات دیگران به طرح سؤال‌های جالب می‌پردازد و سعی در دانستن چیزهای جدید دارد و با طرح سؤالات روشن‌کننده و چالش‌انگیز، به جست‌جو و تحقیق می‌پردازد و به طور کلی سؤالاتی از قبیل چه کسی، چه، کجا، چه وقت و چگونه را مطرح می‌کند.

۲. گسترگی فکر: منظور از گسترگی فکر، آنست فرد به ابعاد مختلف قضیه توجه کند، همه جنبه‌ها را در نظر بگیرد و از یک دیدگاه خاص، طرف‌داری متعصبانه نمی‌کند.

۳. شک‌گرایی معقول: در شک‌گرایی معقول، فرد حتی از پذیرفتن چیزهای واضح خود داری می‌کند و تا زمانی که شواهد و مدارک کافی فراهم نشود، از پذیرفتن یک نتیجه خودداری می‌کند و آن را مورد پرسش و تردید قرار می‌دهد.

۴. استدلال کردن: منظور از استدلال کردن، آن است که ارائه‌ی مباحث با دلیل باشد و دلیل آوردن از توجیه غیر مدلل متمایز شود.

۵. تجزیه و تحلیل: تجزیه و تحلیل یعنی تجزیه‌ی مطالب به اجزای تشکیل‌دهنده آن و تحلیل روابط بین اجزا به طوری که ساختار سازمانی آن قابل فهم باشد. طبقه‌بندی کردن، پیدا کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی و فهمیدن اصول کلی هر عقیده از ویژگی‌های تجزیه و تحلیل است.

۶. قضاوت صحیح: به قضاوتی گفته می‌شود که در آن به دور از تعجیل و طرف‌داری و از همه مهم‌تر مبنی بر ملاک باشد (ایلانلو، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳).

ضرورت آموزش تفکر انتقادی

نتیجه‌ی جمع‌آوری آثار و نوشته‌ها در مورد تاریخ تفکر انتقادی این است که پرسش‌های اساسی و مهم سقراط، اکنون با قدرت و توجه بیشتر، سازمان‌بندی شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تمام قلمرو تفکر بشری و در هر استدلالی، اکنون می‌توان این سؤال‌ها را پرسید:

- مقاصد و اهداف چیست؟

- نحوه‌ی بیان سؤالات چگونه است؟

- منابع اطلاعات و حقیقت کدام اند؟
- روش و کیفیت جمع‌آوری اطلاعات چگونه است؟
- روش داوری و استدلال بکارگرفته شده چیست؟
- مفاهیمی که استدلال‌ات ممکن می‌سازند، کدام اند؟
- فرضیه‌هایی که مفاهیم را در بر دارند، کدام اند؟
- نقطه نظر یا چارچوبی که استدلال را در بر دارد، کدام است؟

به عبارت دیگر، پرسشی که بر مبنای این تفکرات و استدلال‌ات اساسی پایه‌ریزی شود، جزو خطوط اصلی تفکر انتقادی است. با طرح این پرسش‌ها می‌توان به اشتباهات عقلانی که امکان رخداد آن در تمام این موارد وجود دارد، پی برد و شاگردان باید برای درک این ساختارها و استانداردها آموزش ببینند. با به‌کارگیری زبان ذهنی و عقلانی به طریق مذکور، دانش‌جو می‌تواند تفکر انتقادی خود را در هر زمینه‌ی به‌کارگیرد. مهم این است که چنانچه متعلمی بتواند نحوه‌ی به‌کارگیری این ابزار تفکر انتقادی را فراگیرد، می‌تواند آن را در تمام زمینه‌ها و مطالعات خود (با یادآوری مناسب) به‌کار بندد. از این روی یک متفکر انتقادی خوب:

- مسایل و پرسش‌های مهم را عنوان نموده و آن‌ها را به دقت و درستی فرمول‌بندی می‌کند؛
- اطلاعات مرتبط با موضوع را جمع‌آوری نموده، آن‌ها را ارزیابی کرده و برای تفسیر این اطلاعات از ایده‌های ناب بهره می‌گیرد؛
- به نتایج و راه‌های مدلل دست یافته و آن‌ها را بر اساس معیارهای خاص، آزمایش می‌کند؛
- بر اساس سیستم‌های گوناگون تفکر، به طور باز به اندیشه پرداخته، فرضیه‌ها و معانی ضمنی و نتایج عملی آن‌ها را شناخته و ارزیابی می‌کند (خلخالی و صدوقی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰).

همه انسان‌ها فکر می‌کنند و این امر در سرشت بشر نهفته است. اما اغلب تفکرات بشر، به حال خود رها شده، مغر ضانه تحریف شده، ناقص، بدون آگاهی و اغلب با پیش‌داوری کامل هم‌راه است. به منظور توسعه‌ی توانایی تفکر انتقادی، فرد باید هنر «به تعویق انداختن داوری» را فراگیرد.

با این وجود کیفیت زندگی ما و آنچه به وجود می‌آوریم، تولید می‌نماییم و می‌سازیم، کاملاً با نحوه و کیفیت تفکر ما وابسته است، بنابراین، برای برتری در تفکر باید آن را به طور نظام‌مند پرورش داد. سنت تحقیق تفکر انتقادی این بینش و احساس مشترک را منعکس می‌سازد که تفکر بشر با پیش‌داوری، تعمیم، سفسطه و اشتباه عمومی، خودفریبی، انعطاف‌ناپذیری و محدودنگری تمایل دارد. تفکر انتقادی از احساسات تمایلات و خصوصیات ذهن بشر جدا نیست. عدم شناخت این ارتباط می‌تواند

انسان را به شکل‌های گوناگون خودفریبی فردی یا جمعی سوق دهد. سنت تفکر انتقادی در جست‌جوی روشی برای درک ذهن و آنگاه، تربیت آن می‌باشد تا چنین اشتباهات فکری به حد اقل ممکن برسد. این سنت، معتقد است که توانایی بشر برای استدلال خوب می‌تواند پرورش یابد و با کمک فرایند "آموزش هدف‌مند" می‌توان بدین هدف نائل آمد (خلخالی و صدوقی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱).

اهمیت تفکر انتقادی

با پیشرفت فناوری مقدار اطلاعات در دسترس به حجم عظیمی رسیده است. این انفجار اطلاعات در آینده نیز در حال ادامه یافتن است. یادگیرندگان نیاز به راهنمایی دارند که در این عصر، اطلاعات را فقط به طور منفعل دریافت نکنند. نیاز دارند به‌طور مؤثری مهارت‌های تفکر انتقادی را در مطالعات دانشگاهی خود به کار برند و در مشکلاتی که در آینده با آن‌ها رو برو خواهند شد خود را با تغییرات فناوری سریع هماهنگ سازند. برای زندگی موفق در جامعه دموکراتیک مردم بایستی قادر به تفکر انتقادی به منظور اخذ تصمیمات صحیح در مورد مسایل شخصی و جامعه‌ی خود باشند. اگر شاگردان یاد بگیرند، انتقادی فکر کنند راهنمایی می‌یابند که زندگی آن‌ها را زنده می‌کند.

با به کارگیری تفکر انتقادی یادگیرندگان مفاهیم را با عمق و دوام بیشتری یاد می‌گیرند، بهتر قادر به توضیح و کاربرد آن‌چه یاد گرفته‌اند، هستند. بهتر قادر به ربط دادن آن‌چه در یک کلاس یاد می‌گیرند به کلاس دیگر هستند، سؤالات بیشتر و بهتری می‌پرسند، مسیر یادگیری را بهتر می‌پیمایند. آن‌چه را یاد گرفته‌اند بیشتر با زندگی روزمره پیوند می‌دهند، در کل یادگیرندگان برانگیخته‌تری هستند و آسان‌تر می‌شود به آن‌ها درس داد (معلمی و مهرابی، ۱۳۹۶، ص ۵). به‌طور کلی در زمینه‌ی و اهمیت تفکر انتقادی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. تفکر انتقادی یکی از ابعاد اساسی در وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می‌شود.
۲. تفکر انتقادی با ویژگی‌های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی طلبی منطبق است.
۳. به واسطه آن، کاربردی کردن یادگیری، بر اساس فعالیت خود یادگیرنده انجام می‌شود.
۴. متناسب با ویژگی‌های عصر فراصنعتی، تغییر و تحول فزاینده‌ی آن است.
۵. برگرفته از اهداف تعلیم و تربیت است (حسینی راد و علم‌داری، ۱۳۹۰، ص ۳۲).
۶. هر فرد در زندگی شخصی و شغلی خود هر روز در برابر تصمیم‌گیری‌ها متعددی قرار می‌گیرد، تفکر انتقادی کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌ها عاقلانه و از کیفیت بالاتری برخوردار شوند.
۷. تفکر انتقادی امکان بهره‌مندی از قوه‌ی تفکر را برای فهم بهتر مطالب درسی و پایش آرا و نگرش‌های دیگران فراهم می‌سازد (باقری و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳۰۱).

نصاب تعلیمی

نصاب تعلیمی فرایندی نظام‌دار، حساب شده، و مبتنی بر یک دسته منابع اساسی است که به برنامه درسی منتج می‌شود (آقازاده و احدیان، ۱۳۷۷، ص ۱۲). نصاب تعلیمی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرندگان و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات است. کلمه نصاب تعلیمی ریشه‌ی لاتین دارد و به معنا فاصله و مقدار راهی است که باید طی شود تا فرد به هدف برسد. از نصاب تعلیمی تعاریف متعددی ارائه شده در ذیل به چند تعریف پرداخته خواهد شد:

شریعت‌مداری (۱۳۶۵) نصاب تعلیمی را این‌گونه تعریف می‌کند: برنامه‌های تربیتی شامل کلیه‌ی تجارب، مطالعات بحث‌ها، فعالیت‌ها گروهی و فردی و سایر اعمالی است که شاگرد تحت سرپرستی و راهنمایی مکتب انجام می‌دهد.

پاینار (۱۹۹۵) نصاب تعلیمی را عبارت می‌داند از گفتمان‌های مختلف تاریخی، سیاسی، نژادی، جنسیتی، پسا ساختارگرانه، ساختارزا، پست‌مردن، خودزیست‌نامه‌ی زیبا شناختی، دین‌باوری و نهادی (الماسی حسینی، ۱۳۹۷، ص ۲).

از دیدگاه گود نصاب تعلیمی عبارت است از: یک برنامه‌ی کلی و عام در ارتباط با محتوای آموزشی که توسط مکاتب به یادگیرندگان عرضه می‌شود تا با دست‌یابی به آن قادر گردند شایستگی‌های لازم را برای ورود به زمینه‌ها و رشته‌های خاص فنی - حرفه‌یی و تجربی و نظری کسب کنند. دال، نصاب تعلیمی را مجموعه‌ی تجربیاتی می‌داند که تحت راهنمایی مکتب به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. کانلی و لنتز، نصاب تعلیمی را مجموعه‌ی وسیعی از اسلوب و تفکر در باره‌ی تجربیات انسان‌ها می‌داند که در آن، تفکر بیش از نتایج یادگیری واقعیت‌ها و اصول و ... اهمیت دارد. ونتلینگ می‌نویسد: نصاب تعلیمی، طرح کلی و وسیع یک فعالیت آموزشی است.

نصاب تعلیمی به هر چیزی که تعریف شود، ممکن است یک دوره آموزشی یک ساعته، یک روزه، یک هفته‌یی و ... را تحت پوشش قرار دهد. برنامه‌ی درسی محتوای آموزش، انتظارات و خواسته‌های دانش‌آموزان، روش تدریس، مواد آموزشی و ارزش‌یابی محتوا را در بر می‌گیرد. افزون بر آن‌چه یاد شد، در برنامه درسی چارچوب زمانی فعالیت‌های مورد نظر مشخص می‌شود (آقازاده، ۱۳۷۷، ص ۱۳).

زمان طرح نصاب تعلیمی

اثربخش‌ترین زمان مورد نظر در طرح نصاب تعلیمی وقتی است که «نیازی» برای برآوردن وجود دارد. روشن است که هر برنامه‌ریزی برای رفع نیازی صورت می‌گیرد. نیازها صورت‌های گوناگونی (از نظر زمانی) دارند. برخی نیازها فوری اند؛ ولی برخی دیگری فوری نیستند. نیازهای را که معلمان برای برآوردن آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند نیازهای هستند که باید به صورت روزانه برآورده شوند؛ برای مثال، دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدائیه، مطابق جدول زمانی که برای درس علوم در نظر گرفته می‌شود، باید در هر جلسه‌ی درس، برای رفع نیازهایی تلاش کنند.

به سخن ساده‌تر آن‌که، در قالب نیازهای مشخص اهداف در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین، در قالب کتاب‌های درسی اهداف طرح شده است که دانش‌آموزان در هر جلسه یا در طی چند جلسه به برخی از آن‌ها دست می‌یابند و به این ترتیب، در پایان دوره‌ی درسی پاره‌ی نیازها برآورده می‌شود.

افزون بر وجود نیاز برای طرح نصاب تعلیمی، الزامی است کسانی که به این امر اقدام می‌کنند، مهارت مورد نیاز را کسب کرده باشند. نتیجه‌ی برنامه‌ریزی که به وسیله‌ی شخص غیر ماهر صورت می‌گیرد، چندان امیدوارکننده نیست. علاوه بر دو اصلی که پیشتر اشاره شد، در طرح نصاب تعلیمی باید به مبانی روان‌شناسی یادگیری، جامعه‌شناسی، فلسفه‌ی مسلط بر اجتماع آگاهی داشته باشد. بدون چنین پیش‌نیازی، نصاب تعلیمی ارزش اجرایی نمی‌یابد. ضروری است کسانی که مسوولیت در انکشاف نصاب تعلیمی کار می‌کنند و این مسوولیت را می‌پذیرند، در زمینه‌های اشاره شده مطالعاتی داشته باشند (آقازاده، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

ضرورت توجه به تفکر انتقادی در طرح نصاب تعلیمی

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در نظام‌های آموزشی به‌منظور ایجاد تفکر نقاد در دانش‌آموزان نصاب تعلیمی است (کریمیان، ۱۳۹۷، ص ۱۵۲).

ایجاد تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان می‌توان یکی از اهداف اساسی در نظام تعلیم و تربیت در سطح جهانی انگاشت که جزء جدایی‌ناپذیر هر نظام آموزشی است، زیرا در فرایند آموزش باید ضمن تقویت روحیه‌ی انتقادپذیری در معلمان، روحیه انتقاد کردن و زمینه‌ی بررسی و تحقیق را در شاگردان به‌وجود آورد.

به منظور توسعه‌ی تفکر انتقادی ضروری است که تجدید نظر اساسی در برنامه‌های درسی به عمل آید و چنین پارادایم شیفتی نیازمند تأمل در نقش معلم-شاگرد و روش‌های آموزشی است. اصل مهم

که در مبحث کاربردی و عمومی کردن تفکر انتقادی در مکتب وجود دارد، تغییر نقش آموزش‌گر است. منظور تغییر دادن نقش معلم است؛ چنان‌که جان دیویی پیشنهاد می‌کند معلم نقش قبلی خویش را از دست می‌دهد و هم‌چون یک دوست، رفیق یا رابط در کنار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آن‌ها را وادارد به تفکر می‌کند. او حفظ کردن را توصیه نمی‌کند و همان طوری که سقراط افراد را وادار به حل مسأله می‌کند. معلم جدید سعی می‌کند به دیگران بیاموزد خودشان را حقیقت را کشف کنند تا این ملکه‌ی ذهن‌شان شود و همیشه برایشان باقی بماند (کریمیان، ۱۳۹۶، ص ۷۷).

نظریه‌پردازان انتقادی تعلیم و تربیت با این ویژگی‌ها فرایند بازانديشي نصاب تعلیمی را با نقد برنامه درسی موجود آغاز می‌کنند. آنان معتقد اند نصاب تعلیمی حد اقل دو وجه دارد: یکی نصاب تعلیمی آشکار، که از مهارت‌ها و موضوع‌های شناخته شده متشکل است و دیگری نصاب تعلیمی پنهان که به صورت پنهان، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها را شکل می‌بخشد و برنامه‌ی آشکار و ضعیف موجود را تحکیم می‌کند. ارزیابی در دیدگاه تعلیم و تربیت انتقادی ممکن است در ابعاد مختلفی انجام شود. معلم می‌تواند مجموعه کارهایی را ارزیابی کند که دانش‌آموزان انجام داده اند.

پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی به عنوان هدف‌های غایی نظام آموزشی جز از طریق برنامه‌های درسی امکان‌پذیر نیست. به همین منظور در اواسط قرن بیستم، تفکر انتقادی سر فصل کار نظریه‌پردازان آموزشی قرار گرفت و متخصصین حوزه‌ی انکشاف نصاب تعلیمی در صدد برآمدند تا شیوه‌های تفکر انتقادی را با برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها ترکیب سازند. به همین سبب در سال ۱۹۸۰ دانشگاه ایالتی کالیفرنیا درس تفکر انتقادی را اجباری کرد و جامعه‌ی فلسفی آمریکا در سال ۱۹۸۴ اعضای خود را موظف به بهره‌گیری از خدمات کارشناسانی نمود که توان بسط برنامه‌های جدید و آزمون‌هایی را در حوزه‌ی تفکر انتقادی داشتند.

لیپمن می‌گوید: به تفکر انتقادی، به عنوان عاملی که شکاف بین عمل و نظر را پر می‌کند نگرسته شود و به آن به عنوان یک هدف آموزشی توجه گردد. و یا به عبارتی، تفکر انتقادی به عنوان یک پیامد مطلوب آموزشی از جمله اهداف مطرح در خطی‌مشی‌های آموزشی و برنامه‌های درسی است. بدین گونه پیوند بین برنامه‌های درسی و تفکر انتقادی برقرار شد.

از سوی دیگر پیچیده‌تر شدن مشکلات آموزشی؛ مثل، حجم زیاد محتوای آموزشی، روش‌های ناکارآمد تدریس و شیوه‌های نادرست ارزش‌یابی باعث اهمیت و جایگاه برنامه‌ی درسی به عنوان تنها مرجع پاسخ‌گو به مسایل نظام آموزشی شده است. حال با عنایت به ارزش و اهمیت تفکر انتقادی و ارتقای آن در سیستم‌های آموزشی و این که نصاب تعلیمی در این فرایند می‌تواند نقش ویژه داشته

باشد، و این مسأله که پیشرفت دانش جویان در نظام تعلیم و تربیت وابسته به کاربست مهارت‌های تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی مختلف است (سلیمی، و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴).

پرداختن به امر تفکر انتقادی از طریق نصاب تعلیمی بسیار ضروری است. هم‌چنین به علت تغییرات محیطی، شاگردان به حل مسایل، ارزیابی فرضیات و محتویات متفاوت نیازمندند که بدین منظور تفکر انتقادی باید در نصاب تعلیمی لحاظ شده، در سرتاسر آموزش مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه باید به خاطر داشت که سال‌هاست مراکز تعلیم و تربیت به طور ذاتی بر مهارت‌های ذهنی تمرکز دارند و فقدان تفکر و درگیری عمیق در چالش‌ها و تجاربی که دانش‌آموزان در صنف‌های درسی دارند، کاملاً نگران‌کننده است.

با آموزش شیوه‌ها و مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق نصاب تعلیمی شاگردان می‌توانند تضادها و تقابلهای ارزشی، فشار رسانه‌ها و همسالان را که بخشی از واقعیت‌های زندگی امروز آن‌هاست - مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند و آنچه را به آن‌ها ارائه یا تحمیل می‌شود، بدون بررسی دقیق نپذیرند و از طریق تحلیل به شفافیت مواضع و تصحیح نگرش‌های خود کمک کنند. در نتیجه فشار ناشی از تعارضات و باورهای خام و تحمیلی کاهش می‌یابد. در این صورت، بهداشت روانی یادگیرندگان کم‌تر در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرد و جامعه شاهد بسیاری از نا‌هنجاری‌ها نخواهد بود (علی‌پور و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳).

تفکر انتقادی به آسانی و بدون برنامه‌ریزی قابل پرورش نیست. مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق برنامه‌های درسی قابل بهبود هستند و نیازمند تغییر اساسی در برنامه‌های درسی و تغییر نگرش معلمان نسبت به وظیفه خود در امر تدریس و تغییر به سمتی است که منجر به تقویت قوهی تفکر دانش‌آموزان گردد.

بر این اساس می‌توان گفت که برنامه‌های درسی خواهان توجه به پرورش تفکر انتقادی باید در اهداف، محتوا، روش‌های یادگیری-یاددهی و شیوه‌های ارزش‌یابی خود به این امر توجه داشته باشند. هم‌چنین، باید موضوعات درسی را به طور مجزا در نظر نگیرید. فرایند یادگیری با زندگی خارج از مکتب ارتباط نزدیکی دارد و نصاب تعلیمی باید ابزارها، روش‌ها و مفاهیمی را که دانش‌آموز برای حل تکالیف مربوط به زندگی واقعی با آن‌ها نیاز دارد، به او بدهد و بر مهارت‌های سطح بالای تفکر تأکید داشته باشد.

اگر نصاب تعلیمی در بطن خود محتوای را که حاوی موضوعات تفکرانگیز اند حمل نماید، مسلماً با آموزش شیوه‌ها و مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق نصاب تعلیمی یادگیرندگان می‌تواند تضادها و تقابل‌های ارزشی، فشار رسانه‌ها و همسالان را که بخشی از واقعیت‌های زندگی امروز آن‌هاست مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند و آن‌چه را به آن‌ها ارائه یا تحمیل می‌شود بدون بررسی دقیق نپذیرند و از طریق تحلیل به شفافیت مواضع و تصحیح نگرش‌های خود کمک کند. در نتیجه فشار ناشی از تعارضات و باورهای خام و تحمیل کاهش می‌یابد. در این صورت، بهداشت روانی یادگیرندگان کم‌تر در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرد و جامعه شاهدی بسیاری از ناهنجاری‌ها نخواهد بود (علی‌پور و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴).

علاوه بر آن تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی به شکل غیر رسمی نیز از جمله‌ی اهداف آموزش عالی محسوب می‌شوند. عوامل متعددی وجود دارند که تحقق این هدف را تقویت یا تضعیف می‌کنند؛ از جمله این عوامل برنامه درسی پنهان است. با توجه به گستردگی کاربرد برنامه درسی پنهان در سطح مراکز آموزش عالی، وقوف کامل به ابعاد و مؤلفه‌های نصاب تعلیمی پنهان به عنوان منبع اساسی یادگیری‌های عمیق و ماندگار محصلان از سوی دست‌اندرکاران آموزش عالی، امر ضروری است. مجموعه مؤلفه‌های نصاب تعلیمی پنهان (رفتار و منش استادان، روش‌های تدریس استادان، نظام ارزیابی پیشرفت تحصیلی، رفتار محصلان هم‌صنفی، محتوای دروس رشته تحصیلی، فضای فیزیکی مرکز آموزش و قوانین و مقررات اداره آموزشی) می‌تواند در زمینه‌های مختلفی با ابعاد گرایش به تفکر انتقادی محصلان (تحلیل‌گری، نظام‌مندی، کنجکاو، اعتماد به تفکر انتقادی خود، بلوغ در قضاوت جست‌جوگری حقایق و فراخ‌اندیشی) ارتباط داشته باشد (احمدیان و سبحانی نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰).

مواعی که باعث کاهش اثرگذاری برنامه‌های درسی در راستای رشد تفکر انتقادی می‌شوند، شامل مواع داخلی، مثل، نامتناسب بودن محتوای برنامه درسی و روش‌های تدریس و ارزشیابی با انتظارات تفکر انتقادی؛ و مواع خارجی شامل برنامه‌ی آموزشی فشرده، کلاس‌های بزرگ، زمان محدود کلاس درس و اشتغال بیش از حد مربیان به دلایل متعدد و در نتیجه کاهش نقش معلمی در ایجاد فضای فکری مناسب جهت به چالش کشیدن افکار می‌باشد (کریمیان، ۱۳۹۶، ص ۷۷).

آموزش تفکر انتقادی، به دانش‌آموزان از طریق هر درس، آموزش ضمن خدمت معلمان برای تدریس با استفاده از راهبردهای تفکر انتقادی، تدریس در صنف به صورت مباحثه‌ی و گروهی و تمرکز بر توسعه فرایندهای تفکری دانش در ضمن ارائه محتوای درسی، پرهیز از روش‌های تدریس منفعل و

ارزیابی شاگردان در کلاس و امتحان بر اساس فرایندهای فکورانه برای حل مسایل می‌تواند از جمله پیشنهادهایی باشد که برای ترویج این مهارت‌ها مطرح باشد (ناطقی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۸).

عناصر نصاب تعلیمی در ارتباط با تفکر انتقادی

الف: هدف: اهداف درس باید به صورت قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری بیان شوند و دارای معیار و ملاک مشخص باشند. در ارتباط با پرورش تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت باید اهداف مشخص شده در دروس، دانش‌آموزان را به سمت رشد در تفکر انتقادی سوق دهد و بتوان اهداف تعیین شده در این زمینه را مورد ارزیابی قرار داد.

ب: محتوا: محتوا متناسب با اهداف مورد نظر تهیه شده و محرک‌های لازم ارائه می‌شود. و باید محتوا در ارتباط با رشد تفکر انتقادی در دانش‌آموزان به مهارت‌های (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزش‌یابی، توضیح) بپردازد تا بتوان بر مبنای این مهارت‌ها شاگردان را تربیت نمود.

ج: روش تدریس: استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت با توجه به اهداف و محتوا باید انتخاب گردد. تدریس با طراحی شرایط مناسب به صورت مستقیم و هم‌راه تمرین برای برانگیختن انگیزه در زمینه‌ی تفکر انتقادی ضروری می‌باشد (کریمیان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶). توسعه تفکر انتقادی تا حدی زیادی نیازمند تجدید نظر در روش‌های تدریس است که متأسفانه بسیاری از روش‌های تدریس متکی به معلم، نه تنها جواب‌گوی توسعه‌ی تفکر انتقادی شاگردان نیست؛ بلکه تمایل و وابستگی آنان را به معلم افزایش داده و منجر به وخیم شدن مشکلات یادگیری می‌شود.

تفکر انتقادی به شاگردان کمک می‌کند تا انتخاب‌های دشوار داشته باشند. برای رشد و پرورش تفکر انتقادی باید به شناسایی وضع موجود همت گماشت و در عین حال جوی مناسب و مساعدی برای رشد تفکر، برخورد آراء و درگیری شان در مسایل فردی، اجتماعی، خانوادگی و مشارکت در راه اندیشه و ارائه راه حل‌ها را فراهم ساخت (مسعودیان و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۹۳).

مارتین (۱۹۹۸) و گیلفور (۲۰۰۴)، بر این باور اند که ضرورت پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق نصاب تعلیمی یکی از عمده‌ترین مقاصد مریبان تربیتی تبدیل شده است. از این رو اعضای هیأت علمی می‌توانند تفکر انتقادی شاگردان را از طریق روش‌های تدریس فعال، از جمله تشکیل گروه‌های کوچک بحث در کلاس، مطالعه‌ی موردی و کنفرانس کلاسی پرورش داد. استفاده از روش‌های تدریس فعال می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد؛ چراکه آموزش و یادگیری فعال استفاده از

راهبردهایی است که فرصت تعامل را به حد اکثر می‌رساند و شاگردان با مشارکت در کارهای گروهی در بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های خود توانا می‌شوند.

در واقع هرگاه اساتید در صنف درسی به نظریات گوش دهند، رفتار باز و صادقانه همراه با احترام به شاگردان داشته باشند؛ جدی، گرم و صمیمی و پذیرا ایجاد کند. شاگردان را برای شرکت در فعالیت‌های صنف درسی ترغیب کنند. به ارزش‌یابی‌های مستمر در طول دوره‌ی تحصیلی بپردازند، می‌توان گفت میزان انگیزه‌ی شاگردان بالاتر می‌رود.

کریمینی (۲۰۰۷)، در پژوهشی با بررسی شیوه‌های تدریس معلمان با تأکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی نشان داده که شکل‌گیری تفکر انتقادی در دانش‌آموزان مستلزم تغییر رویکرد معلمان در روش تدریس می‌باشند (قنبریان و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۸۳).

د: ارزشیابی: ارزشیابی دانش‌آموزان به منظور تعیین این که رفتار مشخص مورد نظر را اکتساب نموده اند، صورت می‌گیرد که در ارتباط با پرورش تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت باید از مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزش‌یابی و توضیح) ارزیابی صورت پذیرد.

این روزها تفکر انتقادی به طور فزاینده‌ی مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا ما همواره با مقدار زیادی از اطلاعات گمراه‌کننده، تبلیغات تجاری و سایر انواع تبلیغات رو برو می‌شویم که باید آن‌ها را از یک‌دیگر تفکیک نموده و درست را از نادرست جدا کنیم (کریمیان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶).

نتیجه‌گیری

از آن‌چه تحت عنوان ضرورت توجه به تفکر انتقادی در نصاب تعلیمی مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که تفکر انتقادی به تفکری گفته می‌شود که هدف‌مند، منظم و منطقی بوده و به ارزیابی ایده‌ها، باورها و اعمال خود و دیگران با در نظر داشت استدلال تأکید دارد. برای داشتن شاگردان با قوه‌ی تفکر انتقادی، در قدم اول باید آن‌را آموخت و سپس پرورش داد و پرورش آن نیز بدون داشتن یک برنامه مدون میسر نخواهد بود.

جهت آموزش تفکر انتقادی باید آن را در هنگام طرح نصاب تعلیمی مورد مذاقه قرار داد و برای انکشاف ذهنی شاگردان جهت اندیشه‌ورزی و خردگرایی، متخصصان و پیش‌کسوتان حوزه‌ی علوم تربیتی باید در طرح نصاب تعلیمی به عناصر (اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزیابی) و مؤلفه‌های آن دقت نمایند.

در تعیین اهداف آموزشی باید به عنوان راه رسیدن به مقصد سعی شود این اهداف به طوری دقیق تدوین شوند تا محتوای آموزشی به صورت منظم اجرا گردد. لذا طراحان این برنامه باید برای انکشاف و ترقی جوامع علمی به صورت مدون هدف‌گذاری نمایند و در تعیین هدف‌ها زمینه‌های لازم برای تفکر انتقادی فراهم کنند.

محتوای که در روشنایی اهداف پیشکش شاگردان می‌گردد، باید زمینه‌ساز تفکر انتقادی باشند؛ زیرا در محتوا گنجاندن سلسله‌یی از مهارت‌ها لازم است و کسب این مهارت‌ها زمینه را برای ایجاد تفکر مساعد می‌سازد.

برای ظهور این نوعی از تفکر در شاگردان، لازم است معلمان و مربیان آموزشی، روش‌های تدریس مناسب و مطلوب را برگزینند. استفاده از روش تدریس فعال سبب می‌شود تا فرصت تعامل را در میان شاگردان به حد اکثر رسانیده و قابلیت‌های آن‌ها را بروز دهد و زمینه‌ی نقاداندیشی شاگردان را فراهم کند و سرانجام باید از مهارت کسب‌شده ارزیابی صورت گیرد تا معلوم شود که شاگردان چقدر با سلاح تفکر مجهز شده و در شرایط که تبلیغات رسانه‌یی و شایعه‌پراگنی به اوج رسیده بتوانند تصمیم معقول و منطقی بگیرند.

منابع

- آقازاده، محرم و احدیان، محمد. (۱۳۷۷). راهنمای عملی برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات پیوند.
- احمدی، سیدجعفر و رضوانی، سید روح‌الله. (۱۳۹۴). مهارت‌های زندگی، کابل: دیپارتمنت مطالعات صلح و منازعه مرکز ملی تحقیقات پالیسی پوهنتون کابل.
- احمدیان، مینا و سیحانی‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان با ابعاد گرایش به تفکر انتقادی دانش‌جویان، دو فصل‌نامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال بیست و یکم، شماره ۴.
- الماسی‌حسینی، سید صمد. (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی درسی از رویکرد فنی تا رویکرد غیر فنی در آموزش ابتدایی، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- ایلانلو، حسین. (۱۳۹۸). بررسی تفکر انتقادی و آموزش آن در آموزش و پرورش، رویش روان‌شناسی، سال ۸ شماره ۵.
- باقری، محمداقبر، برجندی، پرویز و مفتون، پروز. (۱۳۹۶). جایگاه تفکر نقادانه در نظام آموزشی ایران، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره‌ی ۷، شماره ۲.
- بدری‌گرگری، رحیم و فغان‌پیشه، عترت الزهرا. (۱۳۹۳). تأثیر روش آموزشی افسانه‌زدایی علمی بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- پاک‌مهر، حمیده و دیگران. (۱۳۹۱). نقش کیفیت تدریس اساتید و مؤلفه‌های آن در توسعه تفکر انتقادی دانش‌جویان.
- حسینی‌راد، سیده زینب و علم‌داری، وحید. (۱۳۹۰). برنامه‌ی درسی پرورش تفکر انتقادی، فصل‌نامه رشد تکنالوژی آموزشی، دوره ۲۶، شماره ۸.
- خلخالی، علی و صدوقی، میترا. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌جویان، مجله‌ی مدیریت، شماره ۸۷.
- سرگزی و دیگران. (۱۳۹۴). بررسی مهارت تفکر انتقادی، کنفرانس بین‌المللی، علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی.
- سلیمی، جمال، بلند همتیان، کیوان و یاری، خاطره. (۱۳۹۵). برنامه درسی و تفکر انتقادی (مطالعه تجارب دانش‌جویان کارشناسی ارشد)، فصل‌نامه پژوهش‌های کیفی در برنامه‌ریزی درسی، سال ۱، شماره ۳.
- علی‌پور، وحیده و دیگران. (۱۳۸۸). موانع تفکر انتقادی در برنامه درسی آموزش متوسطه (باتأکید بر مهارت‌های تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و قضاوت)، فصل‌نامه علوم تربیتی، سال ۲، شماره ۷.
- علی‌پور، وحیده و دیگران. (۱۳۹۲). تأملی بر موانع تفکر انتقادی در برنامه‌درسی آموزش متوسطه، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دور ۲، شماره ۹.
- کریمیان، حسین. (۱۳۹۶). بررسی و تبیین میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌ی‌های آسمانی دوره‌ی ابتدایی از دیدگاه معلمان، دو فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، سال ۶، شماره ۱۷.
- کریمیان، حسین. (۱۳۹۷). شیوه‌های تدریس معلمان با تأکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی، فصل‌نامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، سال ۶، شماره ۱.
- مسعودیان، پریسا و دیگران. (۱۳۹۷). طراحی الگوی تفکر انتقادی بر اساس نظریه ساختن‌گرایی ویگو تیسکی و تأثیر آن بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان، پژوهش در نظام آموزشی، شماره ۴۱.
- کرمی، مرتضی، رجائی، ملیحه و نامخواه، مرضیه. (۱۳۹۳). بررسی میزان گرایش به تفکر انتقادی در معلمان مقطع متوسطه و نقش آن در سبک تدریس آنان، پژوهشی در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۲، شماره ۱۳.

- معلمی، مریم و مهربابی، مانوش. (۱۳۹۶). تفکرانتقادی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.
- مقصودی، جهانگیر، اعتمادی فر، شهرام و حقانی، فریبا. (۱۳۸۹). راه‌های پرورش تفکرانتقادی دانش‌جویان، چالش بزرگ در آموزش بالینی پرستاری، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی (ویژه‌نامه توسعه آموزش)، سال ۱۰، شماره ۵.
- ملکی آورسین، صادق و دیگران. (۱۳۹۴). مقایسه‌ی میزان گرایش دانش‌آموزان به تفکر انتقادی و خلاقیت و نوآوری بر اساس جو اجتماعی، تفکر و کودک، سال ۶، شماره ۲.
- ملکی، حسن و حبیبی پور، مجید. (۱۳۸۶). پرورش تفکرانتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت، فصل‌نامه نوآوری آموزشی، سال ۶، شماره ۱۹.
- منصوری و دیگران. (۱۳۹۵). نقش تفکر خلاق و تفکر انتقادی در یادگیری دانش‌آموزان، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- ناطقی، فایزه، کریمیان، حسین و سیفی، محمد. (۱۳۹۶). جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر سند برنامه درسی ملی، پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۵، شماره ۲۴.